

دغدغه والدین باید صرفاً تربیت فرزندان باشد؛ نه مسائل حاشیه‌ای

مادر چهارقلوها در پایان، رسیدگی بیشتر به خانواده چندقلوها را خواستار می‌شود و خاطر نشان می‌کند: در هر شرایطی، دغدغه والدین باید صرفاً تربیت فرزندان باشد نه مسائل مالی و مانند آن؛ اما متأسفانه وضعیت به گونه‌ای است که اگر فردی یا نهادی کمک کوچکی نکند، سایرین روی این حساب که یک‌بار کمک شده دیگر هیچ اقدامی نمی‌کنند.

وی تأکید می‌کند: چون طی این سه سال معجزات زیادی از حضور چهارقلوها در زندگی مان دیده‌ام، نه تنها پشیمان نیستم؛ بلکه اگر دوباره برگردم، باز هم همین راه را می‌روم و تنها آرزویم بعد از سامان گرفتن کار همسر و تسویه بدهی‌ها، تشریف به کربلا به اتفاق بچه‌هاست.



هیچ حمایت و تسهیلاتی برای خانواده چندقلوها وجود ندارد

آقای شیخی از نبود حمایت عملی از فرزندآوری با وجود تأکید رهبر معظم انقلاب، گلایه دارد و می‌گوید: هیچ گونه تسهیلاتی برای حمایت از خانواده چندقلوها وجود ندارد؛ و ام مسکن را هم می‌گفتند تا زمانی که بچه‌ها زیر دو سال باشند، می‌دهیم اما من خیلی پیگیری کردم تا بالاخره دادند.

شب کنکور تا نیمه شب بچه‌داری می‌کردم

فاطمه، دختر بزرگ خانواده، سال گذشته در رشته علوم مهندسی دانشگاه سبزوار قبول شده است، اما به خاطر اینکه بتواند در خانه کمک کار مادر برای نگهداری بچه‌ها باشد، تصمیم به تحصیل در رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه امام رضا (ع) گرفته است. او که سختی‌های چندقلوها را امتحان الهی می‌داند و معتقد است اگر این امتحان را قبول نمی‌کرد، امتحانات سخت‌تری انتظارش را می‌کشیدند، می‌گوید: اول که فهمیدم چهارقلو هستند، هم خوش حال و هم شوکه شده بودم. وقتی هم به دنیا آمدند مانند یک پرستار مدام کنارشان بودم. یادم هست شب کنکور تا ساعت ۲ نیمه شب بچه‌داری می‌کردم. نگهداری از تعداد زیادی کودک، خستگی دارد اما شیرین کاری‌های بچه‌ها خستگی را از تن آدم می‌برد؛ مانند اولین بار که مرا «آبجی» صدا زدند و من خیلی ذوق زده شدم. چهارقلوها حال و هوای خانه را عوض کرده‌اند. خودم هم تصمیم دارم دست کم دوسه فرزند داشته باشم.

اگر مشکل مالی نباشد، جمعیت زیاد را به جمعیت کم ترجیح می‌دهم نجمه، خواهر کوچک‌تر چهارقلوها، متولد ۷۸ و در مقطع پیش دانشگاهی مشغول به تحصیل است. او از شب‌هایی که بچه‌ها کوچک‌تر بودند و تا صبح گریه می‌کردند اما او و خواهرش یا در اتاق دیگر برای امتحان درس می‌خواندند یا باید زودتر می‌خوابیدند که صبح به موقع به مدرسه برسند، برایمان این طور می‌گوید: کلا آدم کم‌صبری هستم و دوست داشتم تک دختر باشم تا بهتر و راحت‌تر پیشرفت کنم اما حالا متوجه شدم در شرایط سخت انسان بیشتر شکوفایی می‌شود و جمعیت زیاد خانواده به فرض نبود مشکلات مالی، قطعاً به جمعیت کم از جحیت دارد.

هزینه بیمارستان را با مشارکت خیران پرداختیم

او در باره مشکلات چندقلوداری می‌گوید: همسر من به خاطر رسیدگی به بچه‌ها حدود یک سال نتوانست سرکار برود. از طرفی، چون چهارقلوها هشت ماهه به دنیا آمده بودند، ۲۲ روز در بیمارستان بستری بودند و من هم به خاطر هماتوم سه‌بار طی این مدت جراحی شدم. جمعاً هزینه بیمارستان به ۲۵ میلیون تومان رسید که از این مبلغ، ۴ میلیون تومان را استانداری، یک تومان را کمیته امداد و بقیه را خیران تأمین کردند و حدود ۵ میلیون از این مبلغ را خودمان پرداخت کردیم. انجمن دوقلوها گفته بود ما بی‌بی و شیر خشک می‌دهد، اما لباس‌های دست‌دوم داد که به خاطر حساسیت بهداشت بچه‌ها استفاده نکردیم. همسر من پیش از شغل کنونی اش یعنی اشتغال در تاکسی تلفنی، در جداره نیروی انتظامی بود اما به خاطر شرایط خاص خانواده پدری که آرامش روحی و کاری اش را به هم می‌زد، در حالی که دختر بزرگم، فاطمه، چند ماهه بود، ناچار به باز خرید خود شد. از طرفی، مبلغ باز خرید را هم یک جا پرداخت نکردند و هنوز که سال‌ها می‌گذرد و فرزندانم دانشگاهی شده‌اند، طلبمان را نداده‌اند.

صدق وعده خداوند را با همه وجود حس کرده‌ام

علی شیخی، پدر ۴۴ ساله خانواده بر صحبت‌های همسرش تأکید می‌کند و می‌گوید: از همان اول که خبر چهارقلوبودنشان را شنیدم، یک لحظه هم فکر زرق و ریزی‌شان را نکردم. همه تلاش‌های من و نتیجه را به خدا می‌سپارم. بر برخی شب‌ها شده که حتی هزار تومان پول برای فردا نداشتم، اما نگران نشدم و نمی‌شوم؛ چون اطمینان دارم که روزی من و بچه‌ها را خدا می‌رساند؛ بنابراین هیچ وقت نشده برای خرجی‌شان بمانم. با خود می‌گویم حتماً خدا در ماتوان اداره چهار فرزند به صورت هم‌زمان رادیده که عنایت کرده است. درست است که فرزند زیاد آذیت و سختی دارد؛ مثلاً گاهی به خاطر خواباندن بچه‌ها تا صبح بیدار بوده و بعد سر کار رفته‌ام یا به جای سه شیفت که قبلاً کار می‌کردم، حالا یک شیفت را هم به‌زور کار می‌کنم، انصافاً منکر شیرینی‌هایش هم نمی‌توانم. همین که از در وارد می‌شوی، می‌دوند و می‌آیند در آغوش، تمام خستگی‌ات در می‌آید. با دو بچه، بیشتر گرفتار بودیم و با اینکه سه شیفت کار می‌کردم اما مشکلاتی داشتیم که می‌ماندیم چه کنیم، اما حالا مشکلات سریع‌تر حل می‌شود و صدق وعده خداوند در قرآن مبنی بر روزی رسانی را با تمام وجود حس می‌کنم.

این طورها هم نیست که برخی نامش را «فاجعه» می‌گذارند

او یادآوری می‌کند: هر چند در خانواده پدری هم تعدادمان زیاد بود، کلاً خودم هم بچه‌دوست هستم. از نظر تربیت‌شان هم اصلاً نگران نیستم. همه چیز به رفتار خود ما به عنوان والدین برمی‌گردد. اوایل مدام بین خانه و بیمارستان بودیم اما اصلاً به‌هوا می‌کمک دیگران نبوده و نیستیم و سعی می‌کنیم بار زندگی‌مان روی دوش خودمان باشد. تعداد زیاد فرزندان به خصوص در کودکی، سختی‌های خود را دارد اما این طور هم نیست که برخی نامش را فاجعه می‌گذارند و از آن وحشت دارند یا می‌پرسند «باشش فرزند چگونه زندگی را اداره می‌کنید؟» البته بر خورد نهادها و مسئولان و خدمات و تسهیلات اجتماعی هم خیلی کم و ناچیز است به‌ویژه در مقایسه با کشورهای غربی که واقعاً به بحران کاهش جمعیت پی برده‌اند و برای جبران آن هر کاری می‌کنند.

تنها نگرانی‌ام، نداشتن شغل مناسب است

پدر خانواده ادامه می‌دهد: از وقتی چهارقلوها آمده‌اند، زندگی‌مان شیرین‌تر هم شده و خدا بیشتر هوایمان را دارد. تنها نگرانی‌ام نداشتن شغل مناسب است. اوایل امسال، استاندار گفت «پژوبگیرید. اینجا نیاز هست؛ استخدام می‌شود». ما هم یک پژو اجاره کردیم اما متأسفانه آن مسئولی که اعلام نیاز کرده بود، از استانداری رفت و جذب نیرو کلاً لغو شد. در این میان فقط هزینه اجاره آن ماشین به مخار جمان اضافه شد.